

شبکه اطلاع رسانی درباره جنبش‌های نوپدید دینی

در گفت‌وگو با پروفسور بارکر، بنیانگذار و مدیر این نهاد

تهیه و تدوین: باقر طالبی دارابی

جدا نکردیم (یا به ندرت چنین کردیم). اگر دینی مرتکب عمل کیفری شود، در این صورت اعضای آن دین در برابر قانون با دیگران مساوی هستند، نه کمتر و نه بیشتر. همکاری ما با اسکاتلند یارد و بخش ویژه (Special Branch) آن خیلی اندک است و به یقین ما از یک عمل کیفری به پلیس اطلاع می‌دهیم و آنها به تحقیق درباره آن می‌پردازند، اما این کاری است که به تصمیم و اختیار ما وابسته است. آنها به‌طور کلی چیزی از ما مطالبه نمی‌کنند، مگر اینکه با مشکل خاصی مواجه باشند. ما رابطه کاری داریم، اما نهادی کاملاً مستقل هستیم. روشن‌تر بگوییم، اگر بشنویم که کسی در هامپستد جنوبی (South Hampsted) باکرها را بر مذبح قربانی می‌کند، من فقط آن را در کتاب نمی‌نویسم و خبر آن را نیز منعکس می‌کنم. جامعه‌شناسان علاقه دارند درباره هر آنچه که در قفسه کتاب‌ها زیر گردوخاک پنهان شده است، بنویسند. نکته مطرح درباره ما این است که می‌خواهیم موارد پنهان و بی‌ارزشی که جامعه‌شناسان به آنها پرداخته‌اند را به کار ببریم یا به عبارت دیگر کاربردی کنیم.

مسأله ما جمع‌آوری اطلاعات درست است. اگر در خارج از مرزها چیزی اتفاق افتاد و مردم خواستند بدانند، در این صورت وزارت امور خارجه با ما تماس می‌گیرد؛ مهاجران نیز در مواقعی برای اطلاع یافتن از وقایعی که در حال اتفاق است، با ما تماس برقرار می‌کنند، پلیس نیز ممکن است به ما تلفن کند و بگوید: "در فلان‌جا قتل اتفاق افتاده و مسائلی عجیب در ارتباط با آن مطرح است، آیا این برای شما مفهومی دارد؟" و... باید اشاره کنم که در موارد بسیار زیاد و متفاوتی آنها از ما اطلاعات می‌خواهند. شما از چه طریقی مطمئن می‌شوید که این اطلاعات درست هستند؟

پی بردن به صحت اطلاعات خیلی مشکل است و

روبرت رانشای (Robert Runcie) بود، رفتم و او نسبت به این ایده هیجان‌زده شد. سپس وزارت کشور را قانع کردم که این ایده می‌تواند مفید باشد. وزارت کشور قبول کرد که برای شروع کمکی به ما بکند و من هیأت‌رئیس‌های از میان این دو نهاد انتخاب کردم و با هم شروع به کار و تبادل نظر درباره راه‌اندازی مرکز کردیم. ابتدا فکر کردیم می‌توان این نهاد را با یک نفر مدیریت کرد، اما خیلی زود آشکار شد که یک نفر کافی نیست. برای شروع مغازه‌ای در منطقه مسکونی متدیست‌ها در شمال لندن باز و بعد از یک‌سال به مدرسه علم اقتصاد لندن نقل مکان کردیم، البته من در این مدرسه مشغول کار و عضو دپارتمان جامعه‌شناسی بودم و به واسطه تحقیقات درباره جنبش‌های نوپدید دینی اطلاعات جامعی داشتم.

استفاده از اطلاعاتی که این نهاد جمع‌آوری می‌کند، چگونه است و وزارت کشور در تأسیس آن چه نفعی دارد؟

استفاده از اطلاعات مطابق خواست مردم صورت می‌گیرد. ما عمیقاً احساس می‌کنیم باید بی‌طرف و غاری از هرگونه ارزش‌گذاری و داوری باشیم که البته ناممکن است، اما تلاش می‌کنیم از روش‌های علوم اجتماعی استفاده کنیم. ما به مردم نمی‌گوییم چه باید بکنند یا چه نباید انجام دهند، بلکه می‌گوییم اگر شما چنین کردید، باید انتظار این یا آن اتفاق را داشته باشید یا این کار ثمره آن چیزی است که در گذشته انجام شده و یا آن حادثه رهاورد کاری است که انجام می‌دهید.

درباره اینفرم ما با وزارت کشور و دولت بریتانیا موافقیم که می‌گویند: "شما هیچ مقررات ویژه‌ای برای جنبش‌های نوپدید دینی یا اساساً هر دین دیگری تعیین نمی‌کنید." روشن است که ما دارای یک کلیسای نهادینه‌شده در این کشور هستیم، اما هرگز یک دین را از دیگر ادیان براساس اعتقادات

چگونه می‌توانیم حقایق و واقعیات مربوط به ادیان جدید را از گزارش‌ها و اطلاعات حساسیت‌برانگیز رسانه‌ها جدا کرده و به درک درست آنها نایل آییم؟

در سال ۱۹۸۸ خانم ایلین بارکر، استاد جامعه‌شناسی مدرسه علم اقتصاد و علوم سیاسی لندن و متخصص در این عرصه، در خصوص جنبش‌های نوپدید دینی یک شبکه اطلاع‌رسانی (INFORM) تأسیس کرد تا به جمع‌آوری و یکپارچه‌سازی اطلاعات مربوط به ادیان جدید اقدام کند. ضمن گفت‌وگوی حاضر، بارکر درباره اهداف این مرکز، مشکلاتی که با آن مواجه است و ارتباط آن با پلیس، رسانه‌ها و خود جنبش‌های نوپدید دینی، سخن می‌گوید.

اینفرم چیست و اساساً چرا تأسیس شد؟ اینفرم (INFORM) نام اختصاری

"Focus on Religious Movements Information Network" به معنای "شبکه

اطلاع‌رسانی درباره جنبش‌های دینی" است و در اول ژانویه ۱۹۸۸ تأسیس شد، اما فکر تأسیس آن در سال ۱۹۸۶ به سرم افتاد. من از دهه ۱۹۷۰ تاکنون به مطالعه و تحقیق درباره جنبش‌های نوپدید دینی مشغولم و متأسفانه در این مدت شاهد بدفهمی‌ها و ناخرسندی‌های نابه‌جایی بوده‌ام که از عدم‌شناخت کافی ناشی شده و ناآگاهانه عکس‌العمل‌های نادرست زیادی در قبال این جنبش‌ها پدید آورده است. دستیابی به اطلاعات درباره بسیاری از جنبش‌های دینی مشکل بود؛ والدین و بستگان نگران بودند و از دولت انتظار می‌رفت که کاری انجام دهد.

به نظر من چنان آمد که اطلاعات قابل اعتماد در دسترس، بیش از آنچه که از سوی جنبش‌ها، رسانه‌ها و مخالفان فرقه‌ها به کار گرفته می‌شده بود. ابتدا نزد اسقف اعظم کلیسای کاتدرایی، که در آن زمان

این همان نکته مهمی است که جامعه‌شناسی با آن درگیر است. ما روش‌های مختلفی داریم (سه بعدی بودن مرکز به جهت جذب اطلاعات کار را تا حدودی آسان کرده است) و اطلاعات را از منابع زیادی که امکان دسترسی به آنها هست به دست می‌آوریم، به‌طور روشن از چهره‌های دانشگاهی و نیز از خود جنبش‌های دینی بهره می‌گیریم.

البته ما هر آنچه را که جنبش‌ها می‌گویند باور نمی‌کنیم، بلکه درباره آنها مطالعه و تحقیق می‌کنیم. شخصاً زمان بسیار زیادی را در میان جنبش‌های نوپدید دینی می‌گذرانیم، از نزدیک شاهد آنها هستیم با آنها مصاحبه می‌کنیم، پرسشنامه‌هایی به آنها می‌دهیم، نوشته‌های آنها را می‌خوانیم و بسیاری از کارهای دیگر.

ما همچنین از کسانی که روزی عضو جنبشی بوده‌اند و آن را ترک کرده‌اند، اطلاعات کسب می‌کنیم؛ اینان منابع خیلی خوبی برای اطلاعات هستند. البته باید مراقب بود، چون ممکن است نگاه آنها نسبت به جنبش‌ها خیلی منفی باشد- که همیشه این‌گونه نیست- من بر اثر تحقیقات گسترده، افراد زیادی را چه آن زمان که در جنبش بودند و چه پس از آنکه بیرون آمده‌اند، می‌شناسم. بر این اساس، ما روابطی داریم و این افراد به‌ویژه به‌عنوان منابع در اختیار نهادن اطلاعات، بسیار مفید و بااهمیت هستند. رسانه‌ها نیز هستند و البته باید متوجه بود که آنچه آنها می‌گویند اغراق‌آمیز است، چون تنها روی موارد بسیار احساسی و حساسیت‌برانگیز دست می‌گذارند.

ما همیشه سعی می‌کنیم روشن کنیم که این اطلاعات از کجا به دست آمده است، بنابراین مردم خود می‌توانند قضاوت کنند. ما خواهیم گفت: "این چیزی است که جنبش می‌گوید" یا "تجربه‌های زیادی هست، ما حقیقت این موضوع را تصدیق نمی‌کنیم، اما آنان چنین ادعا می‌کنند" یا "این ممکن است حقیقت باشد، ما نمی‌دانیم". بنابراین ما در تلاش برای ارائه یک تصویر هستیم و اینکه بگوییم: "حقیقت این است، اما به نظر ما ادعاهای حقیقی در این باره متفاوت است که برخی از آنها از منابع مورد اعتمادتری نسبت به دیگری برخوردارند." گفتن

نشانی، نام بنیانگذار، زمان تأسیس و شمار اعضای دین، همچنین جهتگیری حرکت گروه به سمت‌وسوی جنبشی خاص و اینکه "معروف است که این گروه مرتکب سوءاستفاده از کودکان می‌شود" یا "این گروه کاملاً خوب است و همه از آن راضی هستند" و چیزهایی از این دست بسیار ساده و آسان است.

البته اطلاعاتی که ما تهیه می‌کنیم، به پرسش‌ها و دلمشغولی‌هایی که محققان دارند، پاسخ می‌دهد. یک‌بار با پدری صحبت کردم که درباره پسرش خیلی نگران بود و می‌گفت دستان پسر وی پاک است، اما فلان فرقه تأثیر بسیار خطرناکی روی او داشته است. پدر قادر به درک چنین تغییراتی در فرزند خویش نبود و نتیجه می‌گرفت که پسرش باید مغزشویی شده باشد!

چه نوع ارتباطاتی میان مرکز و جنبش‌های نوپدید دینی وجود دارد؟

هر زمان که ممکن باشد ارتباط زیادی برقرار می‌شود. برخی از مخالفان سرسخت جنبش‌ها و مخالفان فرقه‌ها این را عجیب می‌دانند و فکر می‌کنند که من از سوی آنها اغوا شده‌ام یا از آنها پول دریافت می‌کنم. البته یک جامعه‌شناس باید با در نظر گرفتن تمامی احتمالات و راه‌های ممکن به مطالعه درباره موضوع به تحقیق بپردازد و به درک آن نایل آید و مرکز نیز به دلایل مختلف تلاش می‌کند تا آنجا که ممکن است، ارتباط را برقرار و حفظ کند.

یکی از روشن‌ترین دلایل برای استمرار این ارتباط، کسب اطلاعات است و من معتقدم منصفانه این است که آنها بتوانند حرفشان را بزنند و این ممکن نخواهد شد مگر اینکه ما نسبت به آنها نقدی منصفانه داشته باشیم. آنها نوشته‌های زیادی از خود به ما می‌دهند که حاوی اطلاعات است. دلیل دیگر این است که بسیاری از مواقع والدین از ما می‌خواهند که واسطه شویم. گاهی برای آنها برقراری تماس مستقیم با بچه‌هایشان دشوار است، زیرا به شدت دارای علائق احساسی و عاطفی هستند- من از واژه "بچه‌ها" استفاده می‌کنم، اما شما می‌دانید که اینان بزرگسال هستند؛ سنین

میان ۲۰ تا ۳۰ سالگی- بنابراین اگر ما رابطه خوبی با آن جنبش‌ها داشته باشیم، می‌توانیم با آنها تماس بگیریم. ما توانسته‌ایم تریبی اتخاذ کنیم تا والدین با بچه‌های خویش تماس برقرار کنند و دست‌کم برخی از مشکلات فرزندانشان را برطرف کرده‌ایم. ممکن است ملاقات‌هایی ترتیب دهیم یا مقدمات بازگشت از جنبش برگشتگان به مدرسه یا دانشگاه را فراهم کنیم. به برخی مردم کمک کردیم تا بعد از انصراف از شرکت در دوره‌های جنبش، پول‌های خود را از جنبش بگیرند. اگر اعتماد جنبش‌ها را نداشته باشیم، این کارها را نمی‌توانیم انجام دهیم.

برخی از جنبش‌ها کاری با ما ندارند. برخی ما را از اینکه ممکن است در مواقعی با تهدید آنها مواجه شویم، می‌ترسانند و هنوز من در معرض چنین خطری هستم. تهدیدی از سوی مخالفان فرقه‌ها نیز مطرح است اما اینها بخشی از بازی است. من نگران هستم. در کل جنبش‌ها تمایل دارند با این مرکز به‌طور خصوصی ارتباط داشته باشند چون معتقدند که رسانه‌ها و مخالفان فرقه‌ها چیزهای بسیار وحشتناک و نادرستی درباره آنها می‌گویند، اما دست‌کم ما تلاش می‌کنیم که صادقانه و عادلانه برخورد کنیم. بنابراین می‌بینید که فرقه‌ها تا حدودی حاضر به همکاری با ما هستند. آنها ما را تحت نظر دارند که دریابند در غیاب آنها چه می‌گوییم. در واقع هر دو طرف ما را زیر نظر دارند. مردم اغلب به ما می‌گویند: "اوه، من یک پدر، یا مادر نگران هستم".

اگر اینان کسانی باشند که عملاً به جنبش ملحق شده و مدتی آن را تجربه کرده باشند، می‌گویند که چه پس‌مانده‌هایی را ما از طرف غنای آنها پاک می‌کنیم و اگر از مخالفان فرقه‌ها باشند، می‌گویند که ما تا چه اندازه مدافع فرقه‌ها هستیم. این کار تا حدودی هولناک به نظر می‌رسد، اما در مجموع فعالیت خوبی است، چون به این معناست که ما نسبت به هر آنچه می‌گوییم، محاسبه می‌شویم و حساب پس می‌دهیم و می‌توانیم از هر آنچه بر زبان می‌آوریم دفاع کنیم، حال در هر سمتی که باشیم. بنابراین چنین کار و نهادی ما را در برنامه‌ها و خط‌مشی‌هایمان استوار و ثابت نگه می‌دارد.